

## پیوند ارزیابی روشنگرانه با تکنولوژی آموزشی

سه ماه از شروع سال تحصیلی جدید می‌گذرد. سه ماه فرصت به نسبت خوبی در اختیار ما معلمان بوده است که با توانایی‌ها، گرایش‌ها، علاقه‌ها و به‌ویژه انگیزه‌های دانش‌آموزان کلاس‌هایمان برای یادگیری آشنا شویم و برنامه‌های بعدی آموزشی را بر مبنای یافته‌هایمان تدارک ببینیم.

گذشت سه ماه برای خود ما هم به عنوان معلم فرصت خوبی بوده است تا، روش‌ها و راهبردهای آموزشی خود را که به تجربه درآورده‌ایم محک بزنیم و صحت و سقم کاربرد آن‌ها را در موقعیت‌های متفاوت کلاسی سنجش و ارزیابی کنیم.

اکنون می‌توانیم از خود سؤال کنیم:

- آیا به عنوان هدایتگر یادگیری دانش‌آموزانم توانسته‌ام نقش و مسئولیت خود را به خوبی ایفا کنم و آیا در حمایت از یادگیری آن‌ها موفق بوده‌ام؟
- آیا در کار هدایتگری یادگیری دانش‌آموزان، علاوه بر هدف‌های خاص درسی، به هدف‌های کلی و عمومی تعلیم و تربیتی که شالوده‌ی انسان‌سازی است نیز توجه کرده‌ام و آیا دانش‌آموزانم را نسبت به هدف نهایی تحصیل، یعنی خودسازی و رشد و بالندگی صفات نیک انسانی ترغیب کرده‌ام؟
- آیا سعی کرده‌ام برنامه‌های آموزشی‌ام را مطابق با ذوق، سلیقه و رغبت‌های دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنم؟
- آیا در طراحی‌های آموزشی‌ام به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزانم کلاسم توجه داشته‌ام؟
- آیا طراحی‌های تدریس امسال من با سال‌های پیش تفاوت داشته است؟
- آیا سعی کرده‌ام از تکنولوژی‌های در دسترس روز در کلاس درس برای پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی به‌خوبی و به‌جا بهره بگیرم؟
- آیا برآورد کرده‌ام اطلاعات و دانش من درباره‌ی کاربرد تکنولوژی‌های جدید در صحنه‌ی آموزشی، نسبت به اطلاعات و دانش شاگردانم، چقدر است؟ آیا من هم می‌توانم در این زمینه‌ها از آن‌ها مطالبی را بیاموزم؟ و آیا می‌توانم از خود آن‌ها در این زمینه برای طراحی‌های ابتکاری آموزشی بهره بگیرم؟
- آیا انگیزه، شوق و شادی و تلاشم برای ارائه‌ی برنامه‌ی درسی و به اجرا درآوردن موفق آن در جهت تحقق هدف‌های مورد نظر، به عنوان معلم، الگوی خوبی برای ایجاد انگیزه، شوق و شادی و تلاش دانش‌آموزانم برای یادگیری بوده است؟
- آیا سعی کرده‌ام کلاس‌هایم یکنواخت، یک شکل و پیش‌بینی شونده و احیاناً خسته کننده نباشند؟
- آیا توجه داشته‌ام که جو کلاس درس و محیط غنی و صمیمی آموزشی تا چه اندازه در ایجاد روحیه‌ی مثبت دانش‌آموزانم برای یادگیری اثر دارد و می‌تواند آن‌ها را به تلاش و کوشش بیشتر برای موفقیت رهنمون شود؟
- آیا در فرایند یاددهی - یادگیری فعالیت‌های مشارکتی، ابتکاری و خلاقانه‌ای را پیش‌بینی کرده و فرصت‌های ایجاد روحیه‌ی کار گروهی و وحدت و تعاون را برای شاگردانم فراهم کرده‌ام؟
- آیا سعی کرده‌ام از منابع آموزشی و کمک آموزشی متنوع، به غیر از کتاب و جزوات درسی رسمی، بهره بگیرم و دانش‌آموزانم را به جست‌وجوگری و کسب دانش فراتر از اطلاعات محدود کتاب‌ها ترغیب کنم؟

- آیا راه‌های صحیح مطالعه و یادگیری و راهکارهای استفاده بهینه از منابع متنی، الکترونیکی و تکنولوژی‌های در دسترس را به دانش‌آموزانم نشان داده‌ام؟
- آیا به سبک یاددهی خود توجه داشته‌ام و سعی کرده‌ام از سبک‌های متعدد و متنوع آموزشی استفاده کنم و نیز آیا سبک‌های یادگیری متفاوت و متنوع دانش‌آموزانم را در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی در نظر داشته‌ام؟
- آیا رفتارها و گفتارهای من در کلاس‌های درس الگوی خوبی برای رفتارها و گفتارهای متین، بجا، سنجیده و ارزشمند دانش‌آموزانم بوده است؟
- آیا توانسته‌ام با کار ارزشی یاددهی خود از کار معلمی‌ام رضایت روانی کسب کنم و بر اعتمادبه‌نفس خویش بیفزایم؟ آیا نوع ارتباط من با دانش‌آموزانم موجبات افزونی اعتمادبه‌نفس آن‌ها را فراهم کرده است؟
- آیا سعی کرده‌ام در شیوه‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانم تغییراتی به وجود آورم؟ و از شیوه‌های نوین سنجش بهره بیشتری بگیرم؟
- آیا به دانش‌آموزانم تفهیم کرده‌ام که ارزشیابی جزء لاینفک یادگیری آن‌هاست و بدون آن نمی‌توانند به ضعف‌ها و نقص‌های یادگیری خود پی ببرند؟
- آیا به ارزشیابی‌های مستمر روشنگر در زمینه کسب توانمندی‌ها و قابلیت‌های مورد نظر آموزش به اندازه‌ای پرداخته‌ام که در رشد و پیشرفت درسی دانش‌آموزان مؤثر واقع شود؟
- آیا بازخوردهای مثبت و سازنده حاصل از ارزشیابی‌ها را به موقع به دانش‌آموزانم داده‌ام؟
- آیا آن‌ها را، به اندازه کافی، در جهت رفع کاستی‌های یادگیری‌شان راهنمایی کرده‌ام؟
- آیا تلاش کرده‌ام سنجش‌ها و ارزشیابی‌هایم خالی از تبعیض، سوگیری و برچسب‌زنی باشد؟
- آیا سعی کرده‌ام با رفتار و گفتار و عمل خود اضطراب امتحان را کم کنم و دانش‌آموزانم را برای ارزشیابی، به منظور آگاهی از نقاط قوت و ضعف یادگیری خود، مشتاق و داوطلب کنم؟
- آیا با طرح سؤالات مفهومی و عملکردی، که مستلزم ادراک درست مطلب است، دانش‌آموزانم را از حفظ کردن مطالب و یادگیری طوطی‌وار به سمت یادگیری معنادار، عمیق و پایدار سوق داده‌ام؟
- آیا شاگردانم را از رقابت‌های مخرب کلاسی در پیشی گرفتن از یکدیگر بر حذر داشته‌ام و به جای آن رقابت با خود و پیشی گرفتن از وضعیت قبلی خویش را جایگزین کرده‌ام؟
- آیا فوت و فن‌های خود ارزشیابی را به دانش‌آموزانم یاد داده‌ام؟ و آیا آن‌ها را برای اصلاح کار یادگیری خود بر مبنای ارزشیابی‌ها هدایت کرده‌ام؟

با پاسخ به این سؤالات، هر یک از ما معلمان می‌توانیم به تصویر روشن‌تری از عملکردهای خود و دانش‌آموزانمان دست یابیم و بر مبنای یک ارزیابی سردستی، نسبت به طراحی و تنظیم برنامه‌های آتی خود در کلاس‌های درسمان تصمیم بگیریم و مسئولیت و تعهد خود در ایفای نقش رهبری آموزشی را بهتر و کامل‌تر از پیش ادامه دهیم. نمی‌دانم پاسخ‌های شما به سؤالات مطرح شده تا چه اندازه مثبت یا منفی بوده است، اما می‌توانم با اطمینان بگویم، افرادی که به ۸۰ تا ۹۰ درصد از موارد پاسخ مثبت داده‌اند، به طور حتم، نه تنها معلمی ایده‌آل، بلکه یک تکنولوژیست آموزشی موفق بوده‌اند، زیرا همه موارد اشاره شده در قالب کار اساسی تکنولوژیست آموزشی می‌گنجد که هدف نهایی آن بهره‌گیری از مجموعه تدابیر دانشی، علمی و عملی آموزشی و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی روز به منظور افزایش و بهره‌وری کیفیت آموزشی و پرورشی است. به چنین معلمانی هزاران آفرین باید گفت. امید است این نوشتار بتواند انگیزه‌های کارآمد برای تمام معلمانی باشد که رضایت روانی ناشی از ایفای نقش مثبت و سازنده خود در جامعه را با هیچ نوع پاداش دیگری معاوضه نمی‌کنند.

دکتر فرخ‌لقا رئیس‌دانا